

پزشک‌کیان پس از اسنپ‌بک

بررسی موقعیت رئیس‌جمهور و حامیان او در شرایط جدید

تلگرامی‌اش منتشر کرد، آورد: «نمی‌خواهم او را [پزشکیان] مقصر این وضعیت جلوه دهم، چون اغلب مؤلفه‌های دخیل در این ماجرا در کنترل او نبوده است. با این حال، او لازم است صریح و صادقانه به مردم توضیح دهد که الان دقیقاً برنامه‌اش چیست و چه می‌خواهد بکند؟» و در پایان اینگونه می‌نویسد: «آقای پزشکیان در این روزها نیازمند خلوتی طولانی برای تأملی ژرف درباره ناگزیری به ایفای نقش رقیب انتخاباتی خود است! در واقع او به قصد نجات ما از برنامه سعید جلیلی پا به مر حله دوم انتخابات ریاست جمهوری گذاشت و اقشاری از مردم نیز به همین دلیل به او رأی دادند. حالا او ناگزیر است نقش آقای جلیلی را بازی کند! شاید خودش به دلیل مشغله‌های اجرایی بی‌امان متوجه این موضوع نباشد، اما قدری تأمل، تصویر کلی را برایش شفاف می‌کند.»

وعده تنش‌زدایی به ریاست‌جمهوری رسیده بود، حالا در وضعیتی قرار گرفته که نه‌تنها تنش‌زدایی صورت نگرفته، بلکه کار گره‌های دیگری هم خورده است تا پازل مشکلات پزشکیان تکمیل شود. بافعال شدن مکانیسم ماشه، قلم‌های تحلیل‌گران هم فعالیت خود را در این محور قرار دادند و نکته‌هایی را نوشته‌اند که سمت‌وسوی آنها به ایران پس از بازگشت تحریم‌هاست که در این زمینه، احمد زیدآبادی و محمد فاضلی پیش‌رو شده و با نوشتن یادداشت‌هایی، سوالاتی را مطرح کرده که شاید جا داشته باشد رئیس‌جمهور در خلوت خود به آنها جواب دهد.

▼ پزشکیان در نقش جلیلی

احمد زیدآبادی در یادداشتی کوتاه که در کانال

گزارش دولت



فرهاد فخرآبادی
خبرنگار گروه سیاست

سرانجام آن کورسوی امید هم از بین رفت، قطعنامه پیشنهادی روسیه و چین برای تمدید اسنپ‌بک رای نیاورد؛ مکانیسم ماشه فعال شد و تحریم‌هایی که زاده دوران ۸ سال ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد هستند، بر خواهند گشت. اینکه تحریم‌ها چه خواهند بود و چه تاثیری بر وضعیت مردم ایران می‌گذارد بحثی مجزا و تخصصی است اما نکته مهم دیگر این است که بازگشت تحریم‌ها، در سیاست داخلی چالشی بزرگ برای مسعود پزشکیان است. او که با



عکس: آیسنا

رحیم ابوالحسنی استاد علوم سیاسی:

افکار عمومی پزشکیان را مقصر نمی‌داند

بگویم آینده بد است، هر دو حرف بیهوده و بی‌اساسی است. در کنش‌های اجتماعی و به‌خصوص کنش‌های سیاسی، پیش‌بینی به این معنا شدنی نیست. تعدی به یک دستفروش در تونس منجر به آن انقلاب شد و یا در همین ایران، مرگ مرحومه مهسا امینی، منجر به آن شورش شد؛ یعنی یک حادثه می‌تواند صحنه سیاست را دگرگون کند. این حادثه می‌تواند مرگ یک کنش‌گر اصلی باشد که می‌تواند مرگ ترامپ یا نتانیاهو باشد. اعتقاد من این است که اصولاً به جای اینکه پیش‌بینی کنیم، باید ببینیم چه می‌توان کرد. مشکل اصلی این کشور، شکاف بین دولت و ملت است. البته منظور من از دولت، قوه مجریه نیست، کل ساختار قدرت است. مشکل اصلی آن بحران مشروعیت سیاسی است. نظام از روزی که بحث خودی و غیر خودی را شروع کرد، دچار شکاف بین دولت - ملت شد. این شکاف را باید نظام سیاسی حل کند. اگر این شکاف حل شود، مشکل رفع خواهد شد. اگر یک ملتی پشت سر نظام سیاسی‌اش باشد، آن کشور را نمی‌توان هیچ کاری کرد. چنانچه در جنگ هشت‌ساله دیدیم. این شکاف را باید حل کرد و این شکاف هم ناشی از بحران اعتبار است. بحران اعتبار هم در خیلی از نقطه‌ها وجود دارد. در بحث اقتصادی و در همین بحث فسادهای اقتصادی کار به جایی رسیده که مردم به بسیاری از مسئولان با چشم دزد نگاه می‌کنند. در بحث فرهنگی، نسل جدیدی که حضور دارند، اصلاً فرهنگ سیاسی گروه حاکم را قبول ندارد و در نتیجه ما دچار شکاف



جلیلی اگر می‌آمد شکاف حاکمیت - مردم را در حدی جلو می‌برد که کار از نظر داخلی بحرانی شود. به نظر، مردم در این فضا آقای پزشکیان را مقصر نمی‌دانند. پزشکیان آن جاهایی که به سهم خودش توانسته بود کار کند، به وعده‌هایش وفا کرد که می‌توان به تعلیق قانون عفاف و حجاب اشاره کرد. مذاکره را هم که انجام داد و اگر جنگ نمی‌شد، شاید به مذاکره مستقیم هم می‌رسید. شفافیت، صداقت و تلاش پزشکیان به مردم ثابت شده است و در جنگ ۱۲ روزه هم نشان داد که می‌تواند در شرایط بحرانی کشور را مدیریت کند. هر چند مردم ایران، مردم بسیار بااصالتی هستند و وقتی که جنگ خارجی شروع می‌شود، به جای اینکه به فروشگاه‌ها حمله کنند، از خرید خودشان کم می‌کنند. مردم تاریخ را هم می‌دانند. تاریخ معاصر ما نشان داده که نیروی داخلی غالباً از سر حسادت، حاضر است رقیبش شکست بخورد ولی در یک مبارزه و چالش بیرونی به پیروزی نرسد. سر ماجرای نفت شاهد بودیم که مصدق و قوام توانسته بودند مشکل را با خارجی‌ها حل کنند اما نیروهای داخلی بودند که از پشت خنجر زدند. الان هم بحث نفوذ مشخص شده، همین ماجراست. کسی که در داخل کمک کرد که برجام به بن‌بست بخورد، نیروی بیگانه است.

با توجه به وضعیتی که کشور در آن قرار گرفته، چه دورنمایی را می‌توان ترسیم کرد؟

ما در سیاست اساساً ترسیم دورنما نداریم. یک ساختار و یک کنش‌گر داریم. یک بازیگر قهار، توانمند و مبتکر می‌تواند کلاً صحنه را عوض کند. اینکه ما بگویم آینده خوب است و یا در مقابل

سیدرحیم ابوالحسنی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در رشته علوم سیاسی، در گفت‌وگویی که با هم‌میهن داشت، معتقد است در ماجرای فعال شدن مکانیسم ماشه، با وجود متغیرهای خارجی و داخلی؛ افکار عمومی مسعود پزشکیان را مقصر نمی‌دانند. او می‌گوید برای حل این مشکلات ابتدا باید به سمت برداشتن شکاف دولت - ملت حرکت کرد.

وضعیتی که کشور از نظر سیاست خارجی در آن قرار گرفته، با فعال شدن مکانیسم ماشه نسبتی با شعارهای انتخاباتی اصلاح‌طلبان و مسعود پزشکیان ندارد. تحلیل‌تان از موقعیت فعلی پزشکیان چیست؟

وضعیتی که برای آقای پزشکیان پیش آمد، تک‌متغیره نیست. یک متغیر مواضع داخلی است و یک متغیر بین‌المللی هم وجود دارد. از لحاظ بین‌المللی، مردم متوجه هستند که مواضع آقای ترامپ، مواضع متغیری است و طبیعتاً نمی‌توان روی آن مواضع حساب کرد. من فکر می‌کنم مردم از نظر بین‌المللی آقای پزشکیان را مقصر نمی‌دانند چون احساس‌شان این است که در عرصه بین‌الملل، رئیس‌جمهور آمریکا مواضع نامتوازی دارد و شخصیتش غیرقابل محاسبه و مدیریت است. اما از جهت داخلی، مردم می‌دانند دولت نقش اول را در سیاست خارجی ندارد. نقش اول را رهبری دارد و رهبری است که مدیریت استراتژیک سیاست خارجی را بر عهده دارد. با همین مواضع، مردم شاهد بودند که آقای پزشکیان توانست اجازه مذاکره ولو به صورت غیرمستقیم را با آمریکا بگیرد. احساس من این است که مذاکرات در حال به نتیجه رسیدن بود که لابی صهیونیست، تصمیم به حمله به ایران گرفت. فقط یک مسئله‌ای که می‌توان مطرح کرد این است که مثلاً بگویند شما که می‌دانستی در سیاست خارجی کاره‌ای نیستی، چرا کاندیدا شدی و رای آوردی. پاسخ هم این است که اگر نمی‌آمد، چه می‌شد؟ آیا وضع بهتر می‌شد؟ آقای جلیلی می‌آمد وضع بهتر بود؟ تعارف که نداریم، آقای

چرا مناظره نمی‌کنند؟



یک سال پیش در تیرماه ۱۴۰۳ حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین، خطاب به سعید جلیلی گفته بود: «شما که ۷۰۰ میلیارد دلار به کشور صدمه زدید. شما که در این سه سال ۳۰۰ میلیارد دیگر به کشور لطمه زدید. اگر می‌خواهی راجع به دولت روحانی و تدبیر و امید صحبت کنی، اگر شهامتش را داری با خود من مناظره کن. در صداوسیما در طول تمام این مناظرات به من اتهام زده شد و ما چهار نامه نوشتیم ولی هیچ اعتنایی نکرد، فرصتی در اختیار ما نگذاشت. البته معلوم است در صداوسیما چه کسانی هستند؟ طرفدارهای چه کسی هستند؟ چگونه عمل می‌کنند؟ همه این‌ها را شما می‌شناسید. مردم! کسی که این همه به کشور خسارت زد، ۶ سال رفت برای مذاکره فقط جای مذاکره بحث کرد که مذاکره دور بعد بغداد باشد یا آلمانی! چه کار کردی برای کشور؟ چه به دست آوردی جز قطعنامه، جز مردم را فقیرتر کردن، بیچاره‌تر کردن؟» حالا این فایل تصویری بار دیگر در فضای مجازی می‌چرخد و در پی فعال شدن مکانیزم ماشه بحث بر سر اینکه آن برجام درست بود یا غلط بحث داغ این روزها شده است.

حالا در این بین در مراسم سالگرد دبیران کل حزب‌الله لبنان یکی از حضار جلسه از سعید جلیلی می‌پرسد که «چرا حالا که خود حسن روحانی چنین خواسته‌ای دارد، با او بر سر برجام مناظره نمی‌کنی؟» جلیلی در پاسخ به او درباره مناظره با حسن روحانی گفت: «اینها اول باید با خودشان مناظره کنند. همان حرف‌هایشان را بیاورند و پس از آن حرف‌هایی که خلاف درآمد است را توضیح دهند. وقتی شما تمام فعالیت‌هایت را در برجام انجام دادی و طرف از آن خارج می‌شود، باید چه کار کنی؟ شما در برجام ماندید، اروپا مگر از شما نفت خرید یا روابط بازرگانی برقرار کرد؟ مگر اروپا آن زمان که باید رفع تحریم‌ها صورت می‌گرفت، اطلاعیه نداد که من کاری نمی‌کنم. این حرف‌ها را بارها گفته‌ایم. وقتی طرف مقابل که اروپا و امریکاست توافقات‌شان را انجام نمی‌دهند، طبق بند ۳۶ همان برجام شما می‌توانید جزناً یا کلاً برخی تعهدات را متوقف کنید. ضمن اینکه این ۶۰ درصد نیاز شماس‌ت مثل آن ۲۰ درصد که نیاز بیماران است. این نکته را توجه کنید آنها که می‌گویند مناظره، ما مناظره را ۱۰ سال پیش در خود شورای عالی با حضور خود آقای روحانی انجام دادیم و همه این نکات را گفتیم و ایشان پاسخ نمی‌داد و فقط بحث‌های دیگر را مطرح کردند. اینکه گفته شد قطعنامه‌ها لغو می‌شود چرا برگشت و چران شد؟ اینکه می‌گفتند تحریم‌ها لغومی‌شد، چرا برگشت؟ اینکه می‌گفتند که برجام را کسی نمی‌تواند تکان دهد و از طوفان هم گزند نمی‌بیند. چه شد؟ اینها حرف‌های آقای روحانی بود. اینکه می‌گفتند ۱۰ سال صبر کنید که گلابی‌های برجام برسد. چه شد؟ کوآن گلابی‌ها. ۱۰ سال گذشت.»

تلخی این داستان آنجاست که از سال گذشته تا الان سخنان و ادعاهایی از سوی جلیلی مطرح شده که در آن به صورت غیر رودررو افرادی را مورد اتهام قرار داده است و آن اشخاص مورد ادعا واقع شده از او خواستند که برای روشن شدن موضوع یا برای پاسخ به افکار عمومی و مردم هم که شده پای میز مناظره بیاید البته که او هر بار نیز از موضوع امتناع کرده و به نوعی با این جمله که همه چیز معلوم است فرار به جلور در پیش گرفته است. دفعه قبل هم بیژن نامدار زنگنه آنجا که او درباره کرست دست به متهم‌سازی او کرده بود. در فایلی تصویری ضمن توضیح بخشی از قضیه جلیلی را به مناظره خوانده بود. اما جلیلی از مناظره شانه خالی کرده و در برابر این پیشنهادهاد با این سخن که «جای متهم در دادگاه است نه در مناظره» پاسخ داده است. این واکنش عجیب از سوی جلیلی که به کرات شاهدش هستیم به نوعی شاید نشان از آن دارد که او بیش از آنکه به عنوان یک کنشگر سیاسی به دنبال تبیین نظرات و ادعاهایش برای مردم باشد، در راستای منویات جریان سیاسی خود صرفاً ادعاهایی برای تخریب رقیب سیاسی مطرح می‌کند و از فرصت فضای مجازی و رسانه برای ایجاد شبهه به عملکرد طرف مقابل و تبلیغ خود و هم‌جریانی‌های خود بهره می‌برد نه اینکه واقعاً چیزی در چنته برای ارائه داشته باشد. به عبارتی این عدم رویارویی با افرادی که خواهان مناظره با او بنا بر ادعاهایش هستند در همه این زمان‌ها به نوعی این برداشت را ایجاد کرده است که او هراس نسبت به رودررو شدن با عیان شدن صحت‌وسقم ادعاهایش در برابر مردم دارد.